

## مریم رجوی: فراخوان به عدالت و محاکمه عاملان جنایت علیه بشریت در ایران و سوریه ۶ آذر ۱۳۹۵

آقای نخست‌وزیر غزالی، خانم‌ها و آقایان وزیران،  
خانم‌ها و آقایان سناتورها و شهرداران محترم  
حقوقدانان محترم و سخنگویان و فرستادگان ملت بزرگ سوریه و حلب قهرمان،  
به همه شما درود می‌فرستم.

این اجتماع را در حالی برگزار می‌کنیم که جنبش مقاومت، از پروژه بزرگ خود سرفراز و پیروز بیرون آمده است. منظورم  
انتقال امن و سالم اعضای مجاهدین از لیبرتی به اروپاست.  
یعنی انتقال بخش مهمی از پیکره جنبش آزادی مردم ایران.  
در این کار خطیر، مقاومت ما خواست و اراده رژیم ولایت فقیه را شکست داد. توطئه‌های متعدد اطلاعاتی و سیاسی رژیم  
شکست خورد.

حمله‌های تروریستی و موشک‌باران‌های متعدد به جایی نرسید و همین موفقیت یکی از مهم‌ترین نشانه‌های دوران ضعف و  
زوال رژیم آخوندهاست.

حالا آخوندهایی که برای از بین بردن تمامی مجاهدین در لیبرتی طرح‌های دور و دراز داشتند، کور و بور شده‌اند و روزی  
نیست که درباره خطر احیای مجاهدین در داخل ایران برای یکدیگر روضه نخوانند.

اما در مقابل، فولاد آبدیده مجاهد خلق، یعنی همان مجاهدان دوران پایداری ۱۴ ساله و سرداران و قهرمانان اشرف و  
لیبرتی با اراده‌هایی صمدبار محکم‌تر و با چشم‌اندازی صمدبار روشن‌تر و پرشورتر وارد دوران جدید یعنی دوران پیشروی  
شده‌اند. درود بر همه آن‌ها.

هم‌چنان که مسعود گفت «مجاهد همیشه مجاهد است. از اوین تا اشرف، و لیبرتی و هر کجای دیگر؛ یک رزمنده آزادی  
است و جزئی از ارتش بزرگ آزادی ملت ایران.

مقاوم و سرسخت و استوار؛ در هر شرایطی، در هر زمانی و در هر مکانی».

از یاد نبرده‌ایم و همیشه در برابر چشمان خود داریم ۱۴۱ زن و مرد شجاع و والایی را که در اثر حمله‌های جنایتکاران  
خامنه‌ای و مالکی به شهادت رسیدند.

هم‌چنین ۹ مجاهد خلق که گروگان گرفته شدند.

ارجاع پرونده این کشتارها به دادگاه جنایی بین‌المللی و همچنین پیگیری دارایی به‌غارت‌رفته اشرفی‌ها بخشی از حقوق ملت ایران است و ما غیرممکن است که از احیای این حقوق حقه دست برداریم.  
دوستان عزیز!

از نشانه‌های دوران اعتلای مقاومت، بالا گرفتن اعتراض‌ها و اعتصاب‌های مردم، در تهران و همچنین در شهرهای بزرگ است.

گاهی در یک هفته ده بار مردم معترض در برابر مجلس آخوندها جمع می‌شوند. گروه‌هایی از بازاریان در چند شهر اعتصاب کرده‌اند، دانشجویان در دانشگاه‌ها اجتماعات اعتراضی برپا می‌کنند، زندانیان سیاسی در زندان اوین و همچنین زندان گوهردشت کرج و زندان‌های سایر شهرها به اعتصاب غذا دست می‌زنند. کسانی که بر اثر غارتگری مؤسسات مالی آخوندهای حاکم، دارایی خود را از دست داده‌اند، در برابر مراکز دولتی تظاهرات می‌کنند.

اخیراً وزیر کشور کابینه روحانی فاش کرد که تنها در مشهد، ۲۰۰ بار گروه‌های مردم در اعتراض به همین غارت‌گری‌ها به خیابان‌ها آمده‌اند.

این فریادها متوجه اساس رژیم است. مشکل فقط اخراج‌های ظالمانه نیست، مشکل فقط حقوق‌های پرداخت‌نشده نیست. مشکل فقط انواع تبعیض‌ها و سرکوب‌ها نیست.

اصل مشکل، وجود حاکمیتی است که دائماً مصیبت و فساد و ویرانی تولید می‌کند.

زبان حال مردم ما این است: این وضعیت باید تغییر کند؛ از استبداد و فقر و عقب‌ماندگی به جانب آزادی و پیشرفت و رفاه.

امروز آخوندها - از هر دو جناح رژیم - در مهم‌ترین هدف‌های خود بر سر توافق اتمی شکست خورده‌اند.

همه به یاد دارند که شش قدرت جهان به‌خصوص آمریکا تا چه اندازه در مذاکرات اتمی در برابر این رژیم، کوتاه آمدند. و به یک قدم عقب‌نشینی رژیم اکتفا کردند.

در همان موقع من بارها نسبت به این امتیازهای ناموجه و عدم اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و جمع نکردن پروژه ضد ملی اتمی رژیم هشدار دادم. اما همین توافق که می‌توانست فرصتی برای عبور رژیم از بحران‌هایش باشد؛ امروز نتیجه معکوس داده است.

از یک‌طرف خامنه‌ای آن‌را «خسارت محض» توصیف می‌کند؛ از طرف دیگر وعده‌های روحانی درباره دوران بعد از برجام، پوچ از آب درآمده است.

و یک سال پس از لغو تحریم‌ها، گرسنگی و فقر، بیش از گذشته، زندگی مردم ایران را در هم می‌کوبد.

همزمان، انواع تناقض‌های درونی و بیرونی، فسادهای مالی، افتضاحات اخلاقی و همچنین تصفیه حساب باندهای درونی رژیم سرباز کرده است و امروز آخوندها دیگر قادر نیستند مثل گذشته کنترل تمام عیاری بر باندهای درونی خود و بر اعتراض‌های اجتماعی اعمال کنند.

در نتیجه، آخوندها به چنان تنگنایی افتاده‌اند که خودشان نسبت به بی‌آیندگی رژیم اعلام خطر می‌کنند.

اما مردم با اعتراض‌های روزانه، در حال مشق و تمرین‌اند. راستی چه چیزی را تمرین می‌کنند؟ سرنگونی رژیم ولایت فقیه و قیام بزرگ برای آزادی ایران.

در چنین شرایطی، رژیم تلاش می‌کند نظام شکست‌خورده مماشات غرب در قبال حکومت ولایت فقیه را حفظ کند.

آن‌ها خواهان ادامه سیاستی از سوی دولت‌های غرب و مشخصاً آمریکا و اتحادیه اروپا هستند که در سال‌های قبل

کمک‌کار بقای استبداد مذهبی در ایران و جنگ‌افروزی و تروریسم در منطقه بوده است.

حالا پس از انتخابات آمریکا، مردم ایران، مقاومت ایران و ملت‌ها و کشورهای منطقه انتظار دارند که در سیاست سه دهه

اخیر به‌ویژه ۱۶ سال گذشته ایالات متحده، تجدید نظر شود.

سیاست آمریکا در مورد ایران و منطقه در این دوران، بر محور نزدیکی به آخوندها تنظیم شده بود و فجایع ناشی از آن

بی‌شمار است.

از عراق ویران و پریشان و سوریه غرقه به خون، تا بستن راه تغییر در ایران.

و بی‌جهت نیست که آخوندهای حاکم، از پایان این دوره که آن را دوره طلایی توصیف می‌کنند این‌همه می‌ترسند.

دستاوردهای باد آورده آخوندها از سیاست‌های غلط آمریکا تا آنجا برای تحکیم قدرت ننگین‌شان تعیین کننده بوده است

که امروز به‌صراحت می‌گویند کابینه جدید آمریکا می‌تواند کابینه وحشت باشد.

این ترس و وحشت بحدی بود که خامنه‌ای گفت: «ما فکر می‌کنیم که چگونه باید کشور را از مشکلات احتمالی عبور

داد».

در آن طرف ماموران و لابی‌های رژیم هم به‌تکاپو افتاده‌اند که شاید بتوانند مانع این تحول شوند یا آن‌را به‌تاخیر بیندازند.

راستی تا آنجا که به عامل خارجی مربوط می‌شود چه چیزی بیشتر از سیاست مماشات دولت آمریکا کمک‌کار رژیم

ولایت فقیه بوده است؟

به آنچه گذشت نگاه کنیم:

-مباران و خلع سلاح مجاهدین در عراق که مهم‌ترین خواست آخوندها بود،

-راه باز کردن برای پاسداران که به‌تدریج عراق را اشغال کنند،

-میدان دادن به این رژیم که عراق را سکوی پرش تروریسم و جنگ‌افروزی خود در منطقه کند،

-نقض تعهد نسبت به حفاظت و امنیت مجاهدان اشرف و لیبرتی،

-سکوت و بی‌عملی نسبت به قتل‌عام‌های مکرر علیه مجاهدین،

-دست دراز کردن به سوی استبداد مذهبی در هنگام قیام مردم ایران برای آزادی و امتیاز دادن به رژیم ایران در مذاکرات اتمی.

مگر سرکوب مردم عراق و سوریه توسط آخوندها، باعث رشد گروه داعش نشد؟  
مگر باز گذاشتن راه لشکرکشی‌های پاسداران به سوریه این همه فاجعه ایجاد نکرده است؟ از ویرانی یک کشور و کشتار صدها هزار نفر، تا موج میلیونی پناهندگان و تروریسم و ناامنی در قلب اروپا و آمریکا.  
ما از سال‌ها پیش گفته‌ایم و باز تکرار می‌کنیم که مهم‌ترین اشتباه آمریکا در منطقه، استمالت از آخوندهای حاکم است. از این به بعد، آمریکا به هر میزان که از این سیاست فاصله بگیرد، منطقه به سمت صلح و آرامش خواهد رفت. والا همین وضعیت ادامه پیدا خواهد کرد و بدتر هم خواهد شد.

کما این که اتحادیه اروپا به میزانی می‌تواند بر وضعیت ایران و کل منطقه تأثیر مثبت بگذارد که روابط سیاسی و تجاری خود با این رژیم را به توقف اعدام‌ها منوط و مشروط کند.

اجازه بدهید خلاصه کنم که انتظار ما و مردم ما و همچنین ملت‌های منطقه از جامعه جهانی چیست؟

خواست ما فقط این است که سیاست امتیاز دادن به رژیم ولایت فقیه را متوقف کنید.

خواست ما این است که سکوت و بی‌عملی در مقابل جنایات این رژیم در ایران و منطقه دیگر نباید ادامه پیدا کند.

به جای آن، مبارزه مردم ایران را برای کسب آزادی محترم بشمارید.

دوستان عزیز!

همزمان با شدت گرفتن تنش‌های داخلی و بین‌المللی رژیم، جنبش دادخواهی زندانیان سیاسی قتل‌عام شده آخوندها را در داخل و خارج ایران به چالش کشیده است.

در ماه‌های اخیر، مقاومت ایران، با اتکا به تلاش اعضا و هوادارانش در داخل ایران به اسامی تاکنون منتشر نشده شهیدان و نیز اطلاعاتی درباره هویت قاتلان دست پیدا کرده که بخشی از آن به اطلاع عموم رسیده است.

در سطح بین‌المللی، «کمیته عدالت برای قربانیان قتل‌عام سال ۶۷» در ژنو، آغاز کار خودش را اعلام کرد.

ثبت رسمی قطعنامه مشترک کنگره آمریکا در محکومیت قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، و هم‌چنین فراخوان‌های

گروه‌های پارلمانی متعدد در سراسر اروپا

بله همه و همه گام‌های ارزشمندی است که امیدوارم با سرعت هرچه بیشتر پیش برود و به نتیجه نهایی برسد.

این دادخواهی، اساس استبداد مذهبی را هدف قرار داده است. به همین دلیل، رژیم ولایت فقیه در برابر آن بسیار شکننده است.

این دادخواهی بیدارکننده و فراخوان‌دهنده به همه سرکوب‌شدگان است. باید روشن شود در کهریزک یعنی شکنجه‌گاه اختصاصی خامنه‌ای، به‌خصوص در سال ۸۸ چه گذشت و چه بر سر جوانان زندانی آوردند. ماجرای پزشکی که در ارتباط با کهریزک کشته شدند، چه بود.

جنایت‌های جنگی در خلال جنگ هشت ساله خمینی، اعدام جریان وار هموطنان عرب، کشتار دسته دسته از هموطنان سنی و مردم مظلوم بلوچ و کرد، ماجرای هموطنان بهایی و مسیحی که به‌خاطر عقایدشان سرکوب می‌شوند. و قتل‌های زنجیره‌یی در دهه ۷۰.

بله، همه پرونده‌های این سه دهه باید گشوده شود.

در حاکمیت آخوندها، ناله‌های بسیاری در گلوها شکسته شده، خون‌های بسیاری ریخته شده و حق‌های بی‌شماری پایمال شده است.

حالا زمان دادخواهی است، یعنی زمان احیای همه آن خون‌ها و حق‌ها و البته بالاترین حق، که حق آزادی و حق حاکمیت مردم ایران است.

بله، در کانون این دادخواهی، به‌زیر کشیدن بیدادگران است. و حرف اصلی این دادخواهی، سرنگونی تمامیت رژیم ولایت فقیه است. و این هدف اصلی مردم ایران است و می‌توان و باید به آن دست یافت.

دوستان عزیز!

حالا خامنه‌ای بیش از همیشه، قدرت پوسیده خود را به‌کشتار مردم سوریه گره زده است. او تلاش کرد ادامه این اشغالگری و خونریزی را با یاهه‌هایی مثل دفاع از حرم توجیه کند، اما شکست خورد.

او امروز حتی در متحد کردن باندهای داخلی رژیم بر سر ادامه این جنگ کثیف، شکست خورده است. جنگ در سوریه، به‌مردم ایران و به منافع ایران، هیچ ربطی ندارد.

می‌بینید که از تظاهرات هزاران ایرانی برای بزرگداشت کورش در پاسارگاد، این صدا شنیده می‌شد که نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران. یعنی همه می‌دانند که جنگ‌افروزی ولایت فقیه در عراق و سوریه و همچنین یمن، برای حفظ اختناق و سرکوب در ایران است و عامل بقای رژیم ولایت فقیه است.

تاکید می‌کنم که رودر روی آخوندها ما و مردم‌مان در کنار ملت شجاع و سرفراز سوریه ایستاده‌ایم.

کودکان معصومان را کودکان معصوم سوری را فرزندان خود میدانیم و از پریشانی آن‌ها در رنجیم. بر ویرانی شهرهایشان اشک می‌ریزیم.

و از بی‌پناهی آوارگان‌شان مضطربیم. ما خود را شهروندان شهر حلب خون‌فشان می‌دانیم.

بله حلب شهر حلب از مراکز تمدن جهان در امتداد تاریخ شش هزار ساله‌اش زیر بمباران‌های وحشتناک استقامت می‌کند. حلب، مظهر رنج و پایداری جهان بشری است؛ و دوباره آزاد و آباد به‌پا خواهد خاست.

و به‌رغم خواست همه‌جانی که بر سر سوریه ریخته‌اند و به‌رغم سیاست ننگین مماشات، مردم سوریه تنها نیستند؛ سوریه در قلب‌های مردم جهان جا دارد و بی‌تردید پیروز و آزاد خواهد شد.

دوستان عزیز!

در بحران منطقه، هر راه حلی برای پایان دادن نهایی به‌جنگ و ناامنی و مشخصاً مسأله داعش در گرو پایان‌دادن به دخالت‌های رژیم در منطقه و به‌ویژه در سوریه است. و همکاری با آخوندها برای مقابله با داعش، فاجعه بار است. این باعث تقویت رژیم ایران و تروریسم آن‌ها می‌شود و داعش را به‌لحاظ سیاسی و اجتماعی تغذیه می‌کند.

مقابله با داعش، امری جدا از مقابله با رژیم استبداد مذهبی حاکم بر ایران و پاسداران آن‌ها نیست. هر قدر که آخوندها و پاسداران آن‌ها پس زده شوند، گروه داعش نیز به‌پایان خود نزدیک می‌شود.

ما تمام ملت‌ها و کشورهای منطقه را برای اخراج این رژیم از سراسر منطقه، به‌ویژه سوریه به‌یاری می‌طلبیم.

دوستان عزیز!

این جنبش به رنج و از خودگذشتگی خود و خلش متکی است.

این همان اصلی است که پیوسته پیش روی جنبش مقاومت راه را روشن کرده است.

پیکار کردن، خستگی ناپذیر راه پیمودن، با فداکاری راه گشودن، و اراده‌های شگرف انسانی را بکار گرفتن، راه و رسم پیروزیست.

این آرمان تابانی است که مسعود فرا راه این جنبش گذاشته و مجاهدین را نسل در نسل با آن آموزش داده است. از کسانی که سال‌ها پیش به‌مبارزه برخاسته‌اند تا دختران و پسران پرشوری که امروز برمی‌خیزند به این مقاومت می‌پیوندند و راه مجاهدین را برای خود انتخاب می‌کنند

درود بر همه آن‌ها - درود

درود بر شما

این اراده و عزم و نیرویی است که تاکنون به‌رغم اوضاع سهمگین منطقه‌یی و بین‌المللی جنبش ما را استوار و پرتوان نگهداشته است و این اراده‌یی است که از این به بعد با تغییر اوضاع داخلی و بین‌المللی به مراتب بیش از گذشته، این جنبش را برای هموار کردن راه پیروزی مردم ایران یاری می‌کند.

آری، سرانجامی جز پیروزی محتوم برای چنین زنان و مردانی و برای چنین مجاهدینی متصور نیست.

آن کس که برای خودش هیچ چیز نخواهد. برای خلش همه چیز را می‌تواند بدست بیاورد. به این یقین داشته باشید. و با روحیه و استقامتی سرشار در کانون‌های نبرد یعنی هزار اشرف، برای سرنگونی استبداد مذهبی آماده شوید.

هزار اشرف، برای برقراری آزادی و حاکمیت مردمی است. برای یک جمهوری آزاد و برابر بر اساس جدایی دین و دولت، لغو حکم اعدام و همچنین برای برابری زن و مرد.

روز آزادی ملت ایران و صلح و آرامش در منطقه فراخواهد رسید.

سلام بر شهیدان

سلام بر آزادی